

فلسفه و منطق

۱- تمامی فلاسفه زیر از برهان وجوب و امکان ابن‌سینا استفاده کرده‌اند به جز؟

- (۱) شیخ بهایی (۲) میرداماد (۳) ملاصدرا (۴) خواجه نصیرالدین طوسی

۲- استدلال زیر با کدام یک از اصول فلسفی مغایرت دارد؟

«اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است. اگر چیزی بدون علت، وجود تواند داشت این چیز هم می‌تواند خدا باشد و هم جهان.»

- (۱) امتناع اجتماع نقیضین (۲) محال بودن تسلسل علل نامتناهی (۳) اصل علیت (۴) اصل تقدم وجودی علت بر معلول

۳- کدام گزینه بیانگر دلیل محال بودن تسلسل علل نامتناهی است؟

(۱) اگر پدیده‌ای که الان موجود است معلول علتی باشد و آن علت هم معلول علت دیگری باشد و سلسله این علت و معلول‌ها، بخواهد تا بی‌نهایت پیش رود، چنین تسلسلی محال است.

(۲) اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.

(۳) سلسله علت‌های این جهان منتهی به علتی می‌شود که خودش نیازمند به علت نیست.

(۴) اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

۴- کدام گزینه در خصوص برهان ملاصدرا برای اثبات وجود خداوند نادرست است؟

(۱) ملاصدرا براساس مبانی فلسفی ابن‌سینا، استدلال خود را ارتقا بخشید و توضیح داد که همه موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند.

(۲) ملاصدرا وابسته بودن و نیازمندی موجودات را امکان فقری نامید.

(۳) از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است: وجود بی‌نیاز و وجود نیازمند.

(۴) امکان فقری و فقر وجودی هر دو نام نظریه ملاصدرا در خصوص اثبات وجود خداوند است.

۵- کدام گزینه به معنای متفاوتی از عقل اشاره دارد؟

(۱) عقل در این کاربرد همان کاربرد رایج بین مردم نیز هست.

(۲) در مواردی از خداوند به عنوان عقل کل یاد شده است.

(۳) از نظر فیلسوفان، این ابزار که یک توانمندی فوق‌العاده است، در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت برسد.

(۴) انسان به کمک این ابزار استدلال می‌کند و به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابد.

۶- کدام گزینه در خصوص جایگاه عقل در یونان باستان نادرست است؟

(۱) فیلسوفان یونان باستان به هر دو کاربرد عقل توجه داشته و درباره آنها سخن گفته‌اند.

(۲) هراکلیتوس که از فیلسوفان پس از سقراط است، از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته است.

(۳) لوگوس هم به معنای یک وجود و حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه؛ یعنی وی به هر دو کاربرد عقل توجه داشته است.

(۴) ارسطو، به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای کرد و توضیح داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود.

۷- عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ

بگوید و نباید ظالم باشد، بحث می‌کند، نامیده می‌شود و دانشی که از این جهت به دست می‌آید، نام دارد.

- (۱) عقل نظری - علم نظری (۲) عقل نظری - علم عملی (۳) عقل عملی - علم نظری (۴) عقل عملی - علم عملی

۸- کدام گزینه در خصوص مفهوم نطق در تعریف انسان به حیوان ناطق نادرست است؟

(۱) این تعریف توسط ارسطو ارائه شده است.

(۲) نطق ویژگی ذاتی انسان است و هرگز از او جدا نمی‌شود.

(۳) نطق بیانگر هر دو معنای عقل می‌باشد.

۹- کدام گزینه مربوط به جایگاه عقل در دوره اول حاکمیت کلیسا نیست؟

(۱) در این دوران حکمای مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.

(۲) در این دوران برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌دانستند.

(۳) ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

(۴) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.

۱۰- به ترتیب عبارت‌های «روش تجربی بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر است» و «عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل

می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد» با دیدگاه کدام یک از فلاسفه هماهنگ است؟

- (۱) بیکن - دکارت (۲) دکارت - بیکن (۳) کنت - بیکن (۴) بیکن - کنت

۱۱- توضیح زیر منطبق با دیدگاه کدام فیلسوف است؟

«فیلسوف تجربه‌گرای قرن نوزدهم که به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خوانده و گفته است که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نبوده بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی آنان می‌باشد.»

(۱) کانت (۲) کنت (۳) دکارت (۴) بیکن

۱۲- کدام گزینه در خصوص جایگاه عقل در دیدگاه کنت صحیح است؟

- (۱) عقل فاقد هرگونه اعتبار است و تنها راه شناخت حس و تجربه است.
- (۲) عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد.
- (۳) عقل مستقل از تجربه می‌تواند به شناخت دست یابد.
- (۴) عقل و تجربه هر یک می‌تواند ما را به شناختی معتبر برساند.

۱۳- کدام عبارت بیانگر نظر دکارت است؟

- (۱) معرفت شهودی، درکی ذاتی است که مستقل از عقل و تجربه می‌باشد.
- (۲) بخشی از معرفت‌های ما بدون استفاده از هر نوع تجربه و مقدم بر آن درک می‌شود.
- (۳) اعتقاد به اموری مانند علیت و خدا، امری فطری است.
- (۴) با استفاده از دلایل حسی پی می‌بریم که انسان دارای بعد غیر مادی است.

۱۴- کدام گزینه با دیدگاه کانت هماهنگ است؟

- (۱) اصل علیت اصلی است که عقل مستقلاً آن را اثبات می‌کند.
- (۲) رابطه علیت میان وزیدن باد و تکان خوردن برگ از پیش در دستگاه ادراکی انسان موجود است.
- (۳) تانسان در تصویری مانند زمان و مکان علیت را از راه عقل به دست می‌آورد و نیازی به حس و تجربه ندارد.
- (۴) معرفت حاصل همکاری عقل و حس است.

۱۵- اساس استدلال پروتاگوراس بر اینکه «حقیقت امری نسبی است» کدام است؟

- (۱) شناخت حقیقی، شناختی است که از راه حس و تجربه به دست می‌آید.
- (۲) با سخن پردازی می‌توان هر ادعایی را اثبات کرد.
- (۳) سخن جهان‌شناسان با یکدیگر تعارض دارد.
- (۴) هیچ چیزی قابل شناخت نیست.

۱۶- عبارت زیر با دیدگاه کدام فیلسوف هماهنگ است؟

«هر چیزی که انسان درک کند حقیقت است.»

- (۱) پارمنیدس (۲) پروتاگوراس (۳) افلاطون (۴) هراکلیتوس

۱۷- کدام گزینه در خصوص صدق و کذب در تناقض صحیح است؟

- (۱) از صدق یک قضیه می‌توان کذب قضیه دیگر را نتیجه گرفت نه برعکس.
- (۲) از کذب یک قضیه می‌توان صدق قضیه دیگر را نتیجه گرفت و برعکس.
- (۳) اگر یک قضیه صادق باشد نمی‌توان در مورد صادق یا کاذب بودن متناقض آن حکم کرد.
- (۴) اگر یک قضیه کاذب باشد نمی‌توان در مورد صادق یا کاذب بودن متناقض آن حکم کرد.

۱۸- چنانچه بدانیم قضیه «هر الف ب است» صادق است، کدام گزینه قطعاً کاذب است؟

- (۱) بعضی الف ب است. (۲) هیچ الف ب نیست. (۳) بعضی ب الف است. (۴) هر ب الف است.

۱۹- کدام گزینه بیانگر عکس مستوی قضیه «هر ب غیر الف است» می‌باشد؟

- (۱) بعضی ب الف است. (۲) بعضی غیر ب الف است. (۳) بعضی غیر الف ب است. (۴) بعضی الف غیر ب است.

۲۰- چنانچه نتیجه یک قیاس اقترانی «هر الف ب است» و حد وسط این قیاس «ج» باشد، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) تناقض مقدمه اول این قیاس «هیچ الف ج نیست» می‌باشد.
- (۲) عکس مستوی مقدمه دوم این قیاس «بعضی ج ب است» می‌باشد.
- (۳) عکس مستوی مقدمه اول این قیاس «بعضی ج الف است» می‌باشد.
- (۴) تداخل مقدمه دوم این قیاس «بعضی ب ج است» می‌باشد.